

منظور از اقتصاد یک کشور، همان GDP آن است (GDP Pie)
و معنی گویم آمریکا بزرگترین اقتصاد دنیاست؛ منظور آن است که GDP آمریکا بزرگترین
عدد را دارد (۲۵٪ کل GDP دنیا)

اما بزرگی یا کوچکی اقتصاد، تنها دهنده رفاه و خوشبختی مردم آن کشور نیست.

کشورها به اندازه بزرگی GDP شان در مبادلات بین المللی تاثیر گذارند.
همانی شدن، موجب شده تا اقتصاد همه کشورها در هم تنیده شوند و اتفاقات درونی آنها بر یکدیگر
اثر گذارد. هر چه کشورها نزدیک یکدیگر باشند و کمتر در هم اثر داشته باشند؛ اقتصادشان دارای
ارتباط کمتری است.

تا جایی که آقای مک کلوهان **دهکده جهانی** را با این تفسیر بیان می کند؛ گستردن تجارت
موجب شده تا ارتباط و اغیار کشورها هر چند فاصله مکانی بسیار زیادی دارند، بر تصمیماتشان
تاثیر گذارد. همچنان تصور که مردم یک دهکده نزدیک هم دارند و بر تصمیمات یکدیگر اثر می گذارند.

اما ایران از طریق عمده تجارت خود یعنی نفت با سایر کشورها چنان در ارتباط است. همچنین
اندازه GDP ایران، موجب شده تا در سطح بین المللی جزء ۶ بیست کشور اول و به همان اندازه
تاثیر گذار باشیم.

درآمد سرانه و $\frac{GDP}{جمعیت}$: سهم هر فرد در تولید کشورش را می دود

تا برای مردمی بزرگتر حرفی بر ۹ بخش رفاه کشوری باشد.

اما در اقتصاد ایرانی توان رابع به
موضوعات زیر بحث کرده

• در رابطه با کمک تولید ملی ایران
• کوچکی و بزرگی اقتصاد ایران

• سرمایه ها اقتصاد ایران

• ارزیابی وضعیت اقتصاد ایران

• جایگاه اقتصاد ایران در منطقه و جهان

• و ...

• اثرات تولید ملی

• ویژگی ها اقتصاد ایران

• مسائل و مشکلات اقتصاد ایران

• ظرفیت ها و قابلیت ها اقتصاد ایران

به طور کلی هر موضوعی که به صورت مثبت یا منفی لیک تولید ملی را متاثر می کند جزء مباحث اقتصاد ایران خواهد بود و قابل تحلیل است.

همانطور که ملاحظه خواهد شد موضوعات اقتصاد ایران بسیار گسترده است و امکان بررسی همه آنها نمی باشد.

لذا می توان اقتصاد ایران را در دو مقوله زیر خلاصه کرد:

سطوح تحلیل اقتصاد ایران → سطح عملکرد اقتصاد ایران
سطوح چرایی ها اقتصاد ایران

در این درس ما به دنبال چارچوب فکری هستیم که بوسیله آن قدرت فهم و تحلیل اقتصاد ایران را داشته باشیم. این دو سطح از تحلیل ابزار خوبی در این رابطه هستند.

95, 12, 8

همانطور که بیان شد در راستای ایجاد چارچوب فکری و کمک از دو سطح فوق اهمیت درک اقتصاد ایران نیاز به ابزارهایی نیز داریم؟

در واقع برای تحلیل مسائل، باید از یک روش علمی و روش مند، مشخصه های استاندارد (مثل مشخص فلاکت) به دست آوریم؛ سپس اقدام به تحلیل نماییم.

مشخصه های استاندارد مشخصات عمده و رفتی هستند که مراکز معتبر داخلی یا بین المللی آنها را منتشر می کنند و مبنایی برای تحلیل ها علمی و واقعی قرار می گیرند.

مرکز اعتبار داخلی مثل	مرکز آمار ایران
بانک جهانی	بانک مرکزی
IMF	مرکز پژوهش ها مجلس
OECD	
و ...	و ...

برخی موسسات نیز به صورت خصوصی اداره می شوند اما بنابه تجربه و اعتبار اعضای آنها، معتبر

محسوب می شود. مثل بنیاد هیتو تیچ، فینچ، فریزر، TI (موسسه بین المللی تحقیقات) و یا موسسات داخلی مثل دیده بان، موسسه تحقیقات اقتصادی کجی موسس آی آقای احمد توکلی است و...

تخصیص های از قبیل زیری تواند ابزارهای خوبی جهت تحلیل باشد:

تخصیص فضای کسب و کار: این تخصیص که توسط بانک جهانی همساله منتشر می شود، وضعیت کشورها مختلف را در زمینه فضای کسب و کار بررسی کرده و رتبه بندی می کند. اینکه ایران رتبه ۱۱۸ در این کشورها را دارد نشان دهنده آن است که ۱۱۸ کشور بهتر از ایران وجود دارد که می توان ابتدا در آنها کسب و کار را شروع نمود.

نگته: اعتبار نادردها گزارش رسمی از طریق روش شناسی گزارشات و همچنین ارجاعات به آن گزارش است. همچنین بررسی متخصصان آنها که در واقع اعتبار کارشناسان تدوین کننده می باشد، معیار خوبی برای ارزیابی علمی بودن و اعتبار گزارش می باشد.

تخصیص ممالک: این تخصیص نیز توسط بانک جهانی با فرمول زیر محاسبه می شود و بعد از انتشار، کارشناسان علت دقیق آنرا بررسی می کنند.

نرخ رشاد اقتصادی - نرخ بهره + نرخ تورم + نرخ بیکاری = تخصیص ممالک

و بسیاری تخصیص ها دیگر ...

اما بررسی این تخصیص ها همواره سطح عملکرد اقتصاد ایران است. در واقع با این ابزار ما به بررسی و تحلیل سطح عملکرد اقتصاد ایران می پردازیم. در این سطح با استفاده از روش ها علمی و معتبر وضعیت کنونی کشور مشخص می گردد.

نرخ بهره: نرخ تحولات نادردها عالی / هزینه به کارگیری سرمایه / سود بهره که عالی ترین مقام وام دهنده در ایران است

اما بررسی این شاخص ها ما را به سطح جهانی می رساند:

در سطح دوم **سطح جهانی ها** مجموعه ای از شاخص ها را در نظر می گیریم و علت بهترین یا بدترین وضعیت ایران را نسبت به سایر کشورها بدست می آوریم.

به طور کلی در ارزیابی عملکرد اقتصادی یک کشور ۳ روش زیر را داریم:

الف) بررسی و ارزیابی عملکرد یک کشور نسبت به گذشته اش (روند)

ب) ارزیابی مقایسه ای یا تطبیقی یک کشور با سایر کشورها

ج) ارزیابی عملکرد یک کشور نسبت به قابلیت دعاو ظرفیت ها آن کشور.

حالت الف) بسیار مورد پسند دولت ها است چرا که می توانند روند ها بهبود یافته را اعلام کنند و از این طریق محبوبیت کسب نمایند.

حالت ب) می تواند به دو صورت انجام پذیرد: • مقایسه چند کشور در یک زمان خاص • مقایسه چند کشور در زمان ها متوالی • این روش اگر چه کمتر مورد پسند دولت ها است اما منطقی تر و علمی تر و گویا تر عملکردها را نشان می دهد.

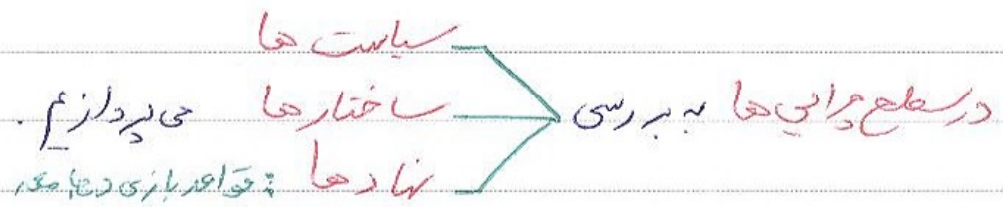
حالت ج) بررسی و عملکرد یک کشور بر اساس قابلیت دعا و توانایی ها یک کشور بررسی می شود. که این ارزیابی دلارای محتوای بیشتر و علمی تر نسبت به سایر روش ها ارزیابی است و در این روش کاستی ها و سوء مدیریت ها بیشتر به چشم می آید. به طور مثال این دلارای قابلیت حاجی نظیر: نفت دوم و گاز اول دنیا، بازار مصرف بزرگ، و صنعت ژئوپولیتیک حساس، جزء ده کشور اول دنیا در جاذبه ها گردشگری و ... را دارد.

می دانیم طبق مبانی اقتصاد خرد،

$$... = هزینه انرژی + هزینه به کارگیری سرمایه + هزینه نیروی کار = هزینه ها$$

$w \cdot L \quad r \cdot K \quad e \cdot P$

و هر چه بتوانیم $P=MC$ را کم کنیم دلارای نریت رقابتی می شویم. در واقع با کاهش P (قیمت) دلارای نریت نسی در تولید خواهیم شد.
نریت ها رقابتی صرفاً رانت ها طبیعی نیستند؛ نرخ بهره پایین، نرخ بهره وری بالا، دیپلماتی قوی دولت و ... می توانند نریت رقابتی باشند.
همچنین سیاست ها حمایتی دولت می تواند هزینه ها را کم کرده و توان رقابت پذیری را بالا ببرد.



مثلاً تورم درجه جاریه بزرگی دارد: $\uparrow P \cdot \bar{Y} = \uparrow M \cdot \bar{V}$ کلاسیک ها
دو اختار مختلف بر او وضع یک سنده
کلیتین ها $Y = C + I + G + NX$

اسا رابطه کلاسیک دارد و واضح افق طورین می کند که اگر در بخش پولی بیس از اندازه پول چاپ شود در بخش واقعی اقتصاد تورم خواهیم داشت.

حال می خواهیم بدانیم چرا از سال ۵۲ در ایران تورم دورقمی داریم؟

چرا می آن همین است که در آن سال حمایت نقت بدون افزایش تولید در آن بالا رفت به همین سبب بخش پولی بیس از اندازه رشد کرد در حالی که بخش تولید رسه نکرده بود. لذا تورم دورقمی از سال ۵۲ در ایران شکل گرفت.

و یا مثلاً دولت با ساختار رانتی دلار و وابسته به نقت است. (ساختار نسی)

و یا مثلاً گری بوده در ایران با استقراض از بانک مرکزی چیران می شود. (ساختار نسی)

و یا مثلاً ساختار حکومت ایران با توجه به حکومت مطلقه خداوند؛ به صورت مشروطیت ولی فقده است. (ساختار نسی)

در ادامه بررسی سطح چرایی ها و بررسی سیاست ها، ساختارها و نهادها به بررسی یکی از تحقیقات منتشره مرکز پژوهش ها مجلس شورای اسلامی که در مورد شخص سلامت می باشد می پردازیم.

در این پژوهش ضمن ارزیابی سطح سلامت جامعه ایران که آنرا متوسط ارزیابی کرده است (چرایی این سطح متوسط را از سه منظر سیاست ها، ساختارها و نهادها نیز بررسی کرده است.

جلسه قبل ما در مورد ریشه بومی تورم در ایران پرداختیم. حال می خواهیم به ریشه بومی تورم در سیاست ها، نهادها و ساختارها ایران بپردازیم.

در توضیح نهادها باید عنوان شود که نهادها قواعد بازی در جامعه هستند.

به طور مثال در یک بازی فوتبال

ساختارهایی نظیر زمین، زمین، صندلی، دروازه و... مورد نیاز است.

نهادها و قواعدی همچون، مولد خطا، کارت زرد، کارت قرمز و... نیاز است

سیاست هایی نیز نظیر جرم ها و... نیز مورد نیاز است.

رویکرد علمی به تحلیل چرایی ها

اینکه چگونه به ساختار چرایی ها رویم به یک روش علمی است. رویکردها بخشی از چارچوب فکری است فهم بهتر ما از مسائل اقتصاد ایران کمک می کند

رویکرد نهادگرایی

رویکرد اقتصاد سیاسی

رویکرد انتخاب عمومی

رویکرد تحلیل تاریخی

رویکرد چرایی ها

امروزه برای تحلیل مسائل اقتصادی، صرفاً دانش و تحلیل اقتصادی امکان پذیر نیست و حلقه رویکرد بین رشته ای برای تحلیل مسائل مورد توجه می باشد.

می دانیم قوانین حکم نهادها هستند. و قانون خوب قانونی است که ضمانت اجرایی داشته باشد.
اگر قانونی درست انجام نمی شود، مشکل قانون است.
در واقع قانون همان عرف ها بین مردم است که رسماً مکتوب شده است.
قوانین، سنت ها، رسوم، آیین ها هستند که با قدرت اجرایی شوند.
- اما عدم محمل به قانون نشانه چیست؟

ابتدا باید بدانیم که دولت تنها نهاد دارای قدرت / زور و دارای مشروعیت که می تواند در جهت اجرای قوانین از قدرت استفاده کند.

ضرورت دولت در حفظ قوانین یا همان سنت ها و آداب و رسوم جامعه است. هر چه جامعه ای به سنت ها و آداب و رسوم پایبندتر باشد و بهتر آنها را انجام دهد، نیاز کمتری به قانون و دولت است.

عدم محمل به قانون نشانه نقص در نهادها و قوانین تدوین شده است.

رویکرد انتحاب عمومی

افراد در هر نسبت و مقامی به دنبال منافع شخصی هستند **فرضت طلب** و سیاست فرصت ها
زیادی جهت سود ایجاد می کند.

رویکرد انتحاب عمومی به این مسئله بیشتر می پردازد و عنوان می کند که قصور در نظارت بر
سیاست موجب می شود مسئولان به دنبال منافع شخصی؛ به جامعه ضرر برسانند.

فنا دادرسی حکم سود استفاده از اختیار یا قدرت عمومی در راستای منافع شخصی، خانوادگی،
حزبی، صنفی و دوستان و - است.

- چه مزایایی فنا دادرسی داشته است؟

در ایران، برخورد با فنا دادرسی بیشتر حسیتی و دارای سرپوش است. تفکر اینکه برخورد با
خطا کار موجب از بین رفتن آبروی نظام است. این نوع برخورد بازدارنده نیست و
همچنین هزینه ها ارتکاب فنا دادرسی کم است و تنبیه متناسب انجام نمی شود.

این نکته حائز اهمیت است که فساد اداری در همه جای دنیا وجود دارد؛ چراکه:

دولت‌ها با ایجاد محدودیت بر دسترسی به فرصت‌های اجتماعی، موجب کمیابی می‌شوند
کمیابی نیز به رانت (پادآورده / مزیت) می‌بارد.

رانت / طبیعی: به بیان دیگر دو بسیار شبیه مازاد تولید کننده
مصنوعی: توسط دولت ایجاد شده مثل رانت سیاسی، رانت اطلاعاتی و...

در واقع سیاست، خرید و فروش می‌شود و قیمت دارد. طبق نظریه انتخاب عمومی واقعیت
این دنیا همین است.

اما برخی کشورها هزینه ارتکاب فساد را زیاد کرده‌اند (از طریق نظارت) و با ابزارهای
نظیر آزادی مطبوعات و... فساد اداری در این کشورها کمتر اتفاق می‌افتد.
البته انسان به علت خلاقیت می‌تواند محدودیت‌ها را دور بزند و همین‌ان به فساد ادامه دهد.
مقاله ماهیت انسان human nature و خلق و خوی ایرانیان از محمد علی گانوزیان

رویکرد تاریخی

هیچ چیز مستقل از تاریخ نیست و هر چیزی وابسته به مسیله گذشته خود است. چراکه
اتفاقات امروزه نتیجه تصمیمات و اتفاقات گذشته است. لذا هر مسئله‌ای باید در
بستر تاریخی خود بررسی شود. مثلاً اعتبار دولت ایران به نفعت یک مسئله تاریخی است.

مثلاً فرهنگ ایرانی یک فرهنگ استبدادی است؛ چه در سطح خانوادگی چه در سطح جامعه.
برخورد دیکتاتوری و عدم تعامل با هم‌عصری در ایران موجب می‌زند و این مسئله در بستر
تاریخی کاملاً قابل ملاحظه است.

عورم نیز در ایران ریشه تاریخی دارد و در دهه ۴۰ ایران با دلارهای نفتی دچار بیماری هلندی شد.
طبق کتاب خلق و خوی ایرانیان اثر محمد علی گانوزیان؛ بستر تاریخی ایران است

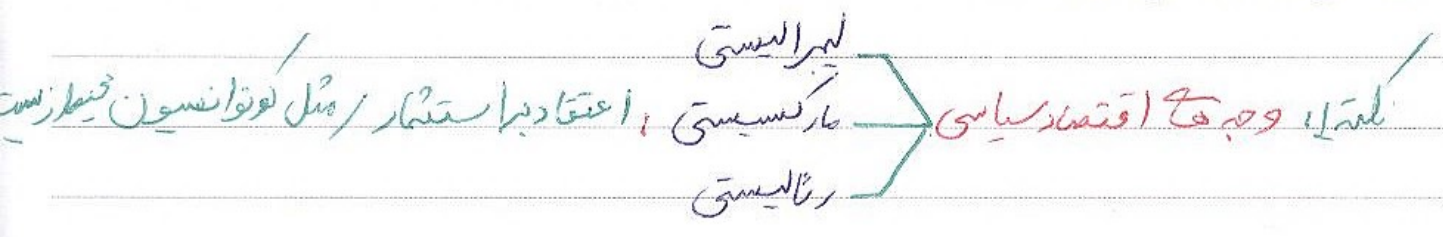
ثامنی ایرانیان در طول تاریخ است. به طور مثال در ایران هر ۲۵ سال یک شاه گشته شده است. این ثامنی ها موجب شده عدم اطمینان مسئولین، آنها را به فرست طلبی کوتاه مدت سوق دهد.

رویکرد اقتصاد سیاسی؟

هیچ پدیده ای صرفاً اقتصادی نیست و همه پدیده ها اقتصادی در پی سیاسی نیز دارند. بنابراین رویکرد روی بنیان سیاست بازی کردن اقتصاد است.

رویکرد نهادگرایی

طبق این رویکرد مشکلات اقتصادی کشور در واقع به اشکالاتی در نهادها بر می گردد. مدل اصل ۴۴ قانون اساسی که بازتقریب آن، قاعده جدیدی در بازی جامعه ایران شروع شد و موجب انتفاع عده ای خاص شد. در واقع با خروج شدن برخی شرکت ها نزد دست دولت و به علت عدم توانایی عموم، برخی خواص مالک آنها شدند.



نکته ۲: قوانین و سیاست ها طبق نظر اقتصاد سیاسی، دلاری پازنده ها و پازنده ها خودش است پازنده ها در تلاش اند که آنها تصویب و اجرا شوند. پازنده ها در تلاش اند که آنها تصویب یا اجرا نشوند. برآیند این که مکتب ها؛ تصویب انواع، قانون ها و سیاست ها است. چه در سطح ملی و چه جهانی.

۲۰ اردیبهشت ۹۶

اما این نکته مهم که "حکمدار اقتصاد یک کشور ستارگ نهادها" آن است "حکمدار" تاکید می شود چرا که در آن شریف نادر، حمید علیان و... حاضر است.

در واقع عملکرد اقتصادی هر کشور متأثر است از:

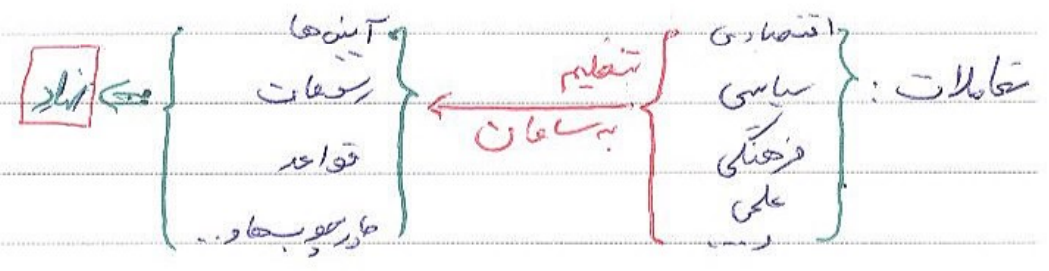
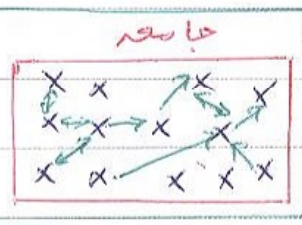
- بازارها
- کیفیت بازارها
- نحوه اجرای بازارها
- چیدمان بازارها

به طور مثال شاخص رقابت پذیری جهانی که توسط مجمع جهانی اقتصاد در سال 2017 از میان 128 کشور، 76 اعلام نموده است. این شاخص دلای و رانرهای متعددی است که در صدر آن بازارها قرار دارند.

اما بازار چیست؟

به زبان ساده بازارها قواعد بازی در جامعه هستند. قواعد و آیین‌هایی هستند که توسط افراد ایجاد می‌شوند و وضع می‌شوند؛ تا زندگی اجتماعی آنها را در حوزه‌های مختلف به سامان و منظم کند. همچنین تنش‌ها و اصطکاک‌ها را کاهش دهد.

جامعه متشکل از افراد مختلفی است که این افراد باید یکدیگر تعامل می‌کنند. این تعاملات می‌تواند از نوع علمی، اقتصادی، سیاسی و ... باشد.

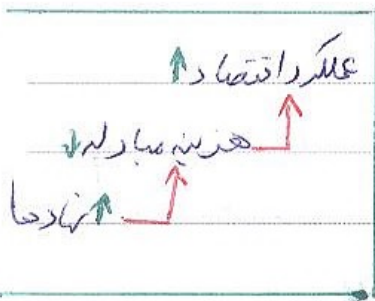


این تعاملات همواره دلای تنش و اصطکاک است. لذا برای تنظیم و کاهش این تنش‌ها، آیین‌ها، رسوم، قواعد، محدودیت‌هایی وضع می‌شود که به آنها نهادگفته می‌شود.

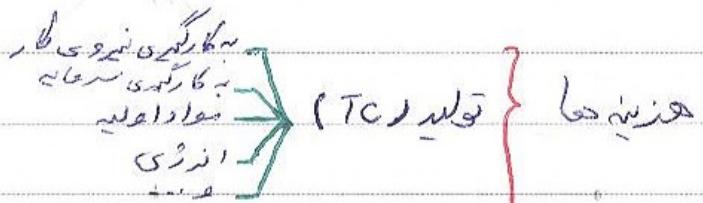
بازارهایی همچون: قانون اساسی، قوانین جاری، دین، مذهب، حزب، دولت، دانشگاه، مالکیت، بنظر...

رسوم، هنجارها، استانداردها، پرچم دزدی دریایی، قراردادها، برحسب ها، بیجا ها، زبان، ازدواج، وقف، و...

رسمی: تصویب شده است و نیاز به مجری (ولت) دارد.
غیر رسمی: خود تنظیم و خود اجرا است.



یکی از کارکردها نهاد کاهش هزینه ها می باشد.
یکی از ویژگی ها اقتصاد ایران، سنگینی هزینه ها می باشد.



مبادله و معاملاتی: هزینه ها غیر از تولید که برای انجام (گردش) اجزای مورد نیاز است.

هزینه ها می تواند به علت ساختارها و نهادها ایجاد می شود و این هزینه ها رابطه کامل و متکوس با نهادها دارند. نهادها از طریق کاهش نا اطمینانی و ایجاد اعتماد عمومی این هزینه ها را کاهش می دهند. یکی از دلایل عملکرد ضعیف اقتصاد آمریکا در سال ها دور، این بود که ۵۴٪ از کل هزینه ها در این کشور صرف هزینه ها می شود.

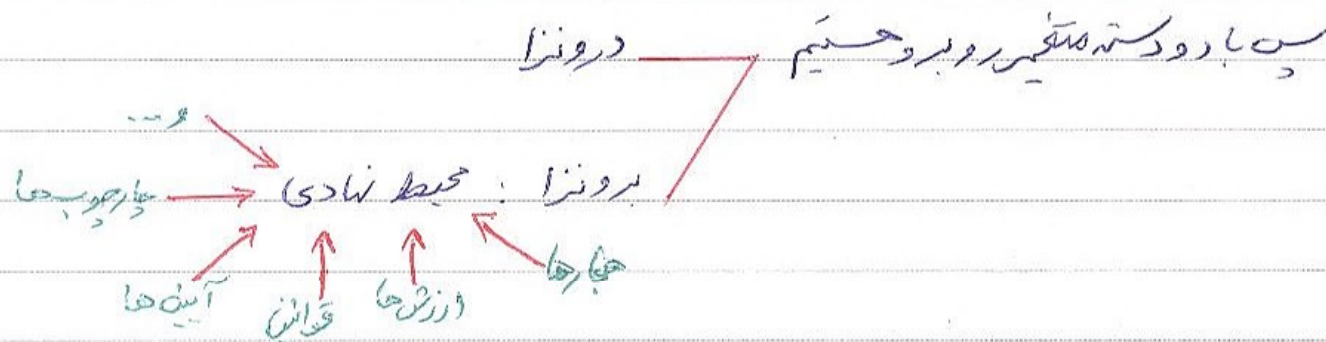
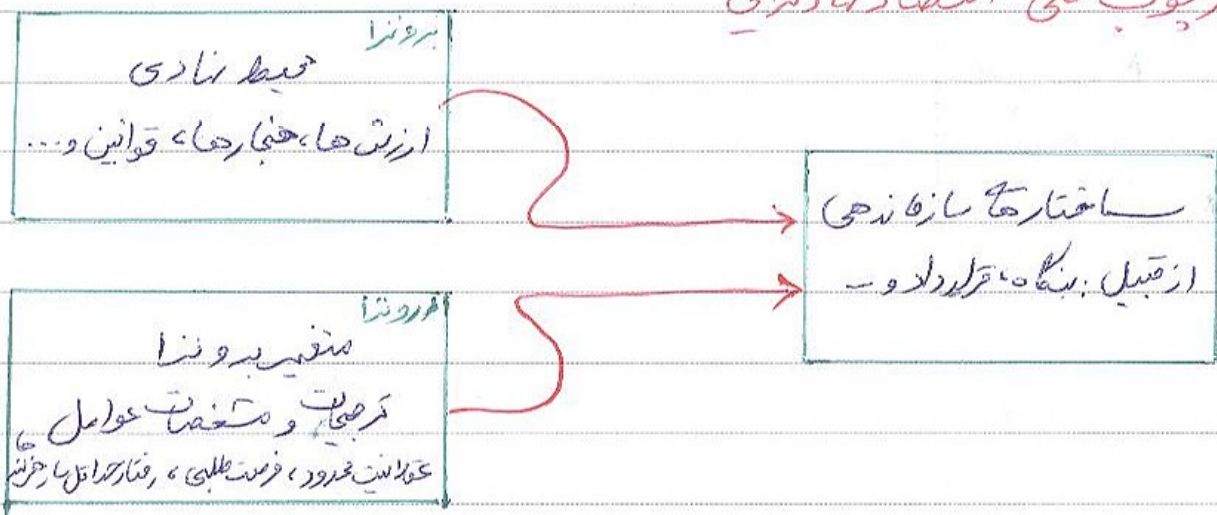
حذف: برای نهادها امنیتی درست و یا گیر
تقویت: برای نهادها خوب و یا عملکرد بالا
وضع: برای نهادها مورد نیاز که نداریم.

نهادها ساختار انگیزشی را مشخص می کنند.
مثلاً اینکه یک دانشجو به دنبال تولید بار با دولتی، به دنبال علم باشد یا غرض و سود دقیقاً به نهادها بر می گردد.

اما عنوان شده که نهادها رسمی نیاز به عمری دارند و نهادها غیر رسمی خود تنظیم و خود اجرا هستند.
بدان مفهوم که نهادها رسمی به 4 اجزاء به نیاز به طرف سوم (بخش عمومی) دارند. لذا کارآمدترند.

در یک تقسیم بندی دیگر نهادها به نا نوشته و نوشته نیز تقسیم می شوند.

چارچوب کلی اقتصاد نهادگرایی



علائق محدود:

ابتدا محدوداً فرض می‌کنیم که رقابت کامل را یادآوری می‌کنیم. دانستیم که، چه نهایت مصرف کننده و بی نهایت تولید کننده وجود دارد که هیچ یک نمی‌توانند فرصت طلبی کنند چرا که اطلاعات تولید و مصرف را دانستند و اطلاعات روشن و کامل برآنها مکیان بود.
همچنین هیچ یک نمی‌توانستند بر قیمت در بازار تأثیر گذارند و اصطلاحاً انجیک هستند.
همچنین هزینه‌های ثابت معامله برآنها نمی‌شود.

اما در اقتصاد نهادگرا داریم: اطلاعات موجود ناقص، مخدوش، اندک، نامتقارن است. عقلانیت محدود است.

در پیش فرض اقتصاد خرد راسیسم: این اقتصاداری، انسان عقلایی؛ اطلاعات برابری خوبی پردازش می کند و تصمیم عقلانی می گیرد. اما در دیدگاه نهادگرایی، به علت ویژگی اطلاعات ناقص و آن توان پردازش همه اطلاعات را ندارد، همواره این قادر به تصمیم گیری عقلانی نیست و به مخدوش یا جامعه هنری می ماند.

به دلیل وجود چنین واقعیت هایی از نهادها کمک می گیریم. نهادها کمبود اطلاعات را حل کرده و توان تصمیم گیری آن را افزایش می دهند. اما ترتیبات و چیدمان نهادها نیز مهم است. دو واقعیت اکثر نهادها اکثر به صورت تک تک می توانند خوب کار کنند، در نهایت، نهاد آخری نیز می تواند به خوبی کار کند.

27 ژانویه 96

نهادها به طور مستقیم بر بررسی نمی شوند. بلکه تاثیر آنها بر اقتصاد ارزیابی می گردد. عملکرد صنعتی اقتصادی نشان دهنده نقص در نهادهاست که باید رفع شوند. عملکرد اقتصادی هر کشور متاثر از نهادها، چیدمان نهادها و ساختار نهادهاست. لذا اکثر نهادها می مثل خانواده، آموزش و پرورش و ... وظایف خود را به درستی انجام می دهند خروجی خود را در دادگاه یا بخش های محلیون بزرگسالی، مراکز حکم کننده می کنند.

لذا ما دو بخش زیر را جهت بررسی نهادها در ایران در نظر می گیریم:

- ① بخش فضای کسب و کار
- ② بخش رقابت پذیری یک کشور در جهان (اقتصادی)

بخش فضای کسب و کار توسط بانک جهانی و موسسه OECD سازمان همکاری کشورهای توسعه یافته

اطلاعات نامتقارن معنی اطلاعات تولید کننده و مصرف کننده یک نیست

ارائه می شود. بانک جهانی با این استدلال که شدت کاهش نرخ تورم توانایی شخص و ارزیابی
 مستقیم اساسی فضای کسب و کار را دارند، این شخص را با ۱۰ از زیر شاخص به شرح ذیل بر ۴ نفر دیگر
 مرد منتشر می کند. همچنین OECD دو شخص دیگر که من فساد اقتصادی نیز هست را به شخص ها
 زیرا فساد می کند. ۱۹۱ کشور مورد مطالعه
 مرکز و جیس که مجلس شورای اسلامی نیز همین شخص را مجدداً با ۶۰ از نرخ شخص محاسبه و منتشر می کند.

طبق آخرین گزارش بانک جهانی رتبه ایران در شخص فضای کسب و کار ۱۲۰ ارزیابی شده که مفهوم
 آن این است که ۱۱۹ کشور در جهان تحت راه اندازی کسب و کار فضای بهتری دارند و البته
 آنها تحت سرمایه گذاری و شروع کسب کار با آن است.
 برخی زیر شاخص ها ارزیابی شخص فضای کسب و کار از قرار زیر هستند:

رتبه ایران	زیر شاخص	رتبه ایران	زیر شاخص
۱۲۵	حالت از حسابداران خود	۱۰۲	شروع کسب و کار
۱۰۰	پرداخت مالیات	۲۷	امتیاز سافت و سار
۱۷۰	تجارت فرامرزی	۹۴	دسترسی به برق
۷۰	اجرای قراردادها	۸۶	ثبت مالکیت
۱۵۶	ورکشنگی و قوانین آن	۱۰۱	اخذ اعتبارات

رتبه ایران در منطقه (بین ۱۰۱ کشور رقیب تعریف شده در سند چشم انداز) ۱۶ می باشد.

این شخص عملکرد اقتصاد کشورها را با توجه به ناهماهنگی آنها می دهد. اینکه مثلاً
 ایران صفره عربی رتبه بهتری از کار دارد بدان معنی است که ناهماهنگی و بی وفایی و بی اعتمادی در این
 کشور بهتر عمل می کنند.

شاخص ترکیبی رقابت پذیری جهانی توسط مجمع جهانی اقتصاد منتشر می شود و در جدیدترین
 گزارش خود رتبه ایران را در سال ۲۰۱۶ از میان ۱۴۸ کشور، ۶۷ اعلام نموده و نرخ شخص ها
 زیر قابل تا مل است:

برخی زیربخش‌ها زیر عبارتند از:

رتبه ایران	زیربخش	رتبه ایران	زیربخش
۱۲۱	بیشترین بودن بازار مالی	۹۰	ناردها
۹۷	آمادگی تکنولوژی	۵۹	زیربخش‌ها
۱۰۹	بیشترین بودن نگاه‌ها تجاری	۷۳	تبلت در اقتصاد کلان
۱۹	اندازه بازار (حجم از بازار)	۴۹	بدانست و آموزش ابتدایی
۱۲۷	کارایی بازار نیروی کار	۶۰	آموزش عالی و حرفه‌ای
۸۹	نوآوری	۱۱۱	کارایی بازار کالا

همچنین حرکت‌ها در این زیربخش‌ها حاوی متغیرهای دیگری است که در کل ۹۶ زیربخش را تشکیل می‌دهند. رتبه ایران در منطقه و کشورهای رقیب در سنجش‌ها اندک (۱۳ ام) میباشد.

ویژگی‌ها و چسب اقتصاد ایران

ایران اقتصادی است با:

- ۱) در حال توسعه: با توجه به شاخص HDI
- ۲) اقتصاد نیمه صنعتی: که بیش از ۲۵٪ اقتصاد ایران از صنعت متاثر است.
- ۳) بارفاه متوسط: با توجه به درآمد سرانه
- ۴) برنامه ریزی‌شده: با توجه به برنامه‌ها توسعه
- ۵) حضور پررنگ دولت
- ۶) ضعف بخش خصوصی
- ۷) اقتصاد رانتی
- ۸) دولت رانتی
- ۹) رقابت پذیری پایین تولیدات کشور
- ۱۰) وابسته به کالاها واسطه‌ای
- ۱۱) پس‌انداز واقعی منفی
- ۱۲) فاصله عمیق از قابلیت‌ها و توانمندی‌ها

- ۱۳) گستردگی اقتصاد زیر زمینی (بخش غیر رسمی اقتصاد)
- ۱۴) بهره‌وری پایین عوامل تولید
- ۱۵) هزینه‌ها بالا مبارزه
- ۱۶) نرخ مشارکت پایین اقتصادی
- ۱۷) ذخیره پایین سرمایه اجتماعی
- ۱۸) تضعیف سرمایه‌ها عارین
- ۱۹) نرخ مشارکت پایین اقتصادی
- ۲۰) اقتصاد در کمند سیاست
- ۲۱) جی بی بی‌ها اقتصادی
- ۲۲) جی بی بی‌ها مدیریتی
- ۲۳) بوروکراسی دست و پاگیر
- ۲۴) مشخص نبودن جایگاه دولت در اقتصاد
- ۲۵) فساد اداری
- ۲۶) ساختار نامناسب نظام اداری و کنش عمومی
- ۲۷) آنا ریسیم (اقتصادسن) سیاست‌گذاری
- ۲۸) محدود بودن نظام اطلاعاتی کشور
- ۲۹) افق‌ها کوتاه مدت تصمیم‌گیری
- ۳۰) عافیت‌طلبی سیاست‌مداران و ...

96, 2, 3 →

یکه از ویژگی‌ها اقتصاد ایران:

- انباشت پایین سرمایه اجتماعی

- تضعیف سرمایه‌ها عارین

که در ادامه به تعریف سرمایه، سرمایه‌ها اجتماعی، سرمایه‌ها عارین و تأثیرات آنها بر اقتصاد ایران می‌خواهم بگویم

انواع سرمایه عبارتند از:

- فیزیکی: مثل ماشین آلات، مکن و ...
- طبیعی: معادن، نفت، جنگل، آب و ...
- مالی: پول، سهام، اوراق بهادار، طلا، دلار، لند و ...
- انسانی: نیروی متخصص، دانش، مهارت و ...
- اجتماعی: درجه به سطح شده است. Social capital
- عارین: در سال ۲۰۰۰ مطرح شده است. Symbolic capital

سرمایه‌ها اجتماعی و عارین نیز مانند سایر سرمایه‌ها، عامل ایجاد ارزش و مؤثر در تولید دیگر کالاهاست.

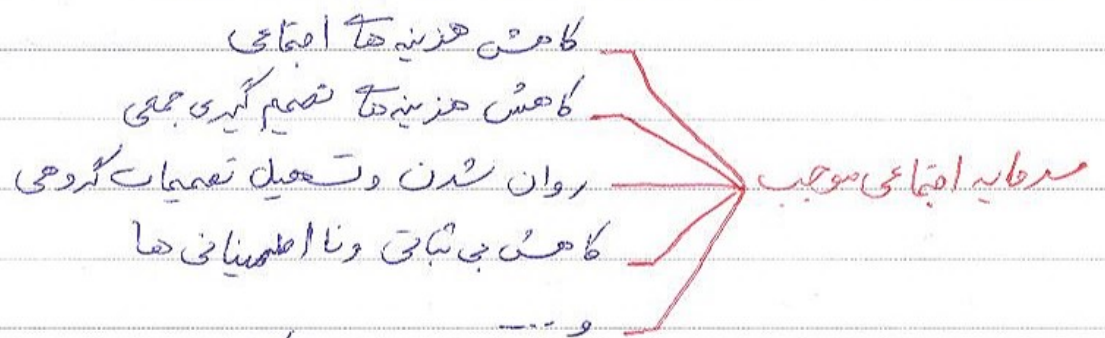
سرمایه اجتماعی عامل و محبت یک جامعه است و می‌تواند کمک کند افراد جامعه را مثل حساب در کنار یکدیگر نگه دارد و با هم پیوند دهد. در واقع سرمایه اجتماعی، ذخیره‌ای از اعتماد، همکاری، نوع دوستی، خیرخواهی و دیگر خواصی در جامعه است. سرمایه فرهنگی و نادرستی

عدم این سرمایه باعث شکست در جامعه و عدم همکاری بین افراد آن می شود.

اساس این سرمایه اعتماد است و به مثابه این است که دیگران سرمایه شما هستند (اعتماد عمومی).

تعریف امروزی توسعه آن است که به زمانی توسعه امکان پذیر است که سرمایه اجتماعی در آن جامعه به خوبی انباشت شده باشد و لذت سرمایه ها غادین صیانت شود.

اعتماد می تواند: ① بین دو نفر ② خانوادگی ③ جمعی از افراد ④ تبدیلدلی ⑤ عمومی دلی باشد. اساس هرگونه همکاری، اعتماد است حتی برای دزدی کردن.



بیشترین سرمایه اجتماعی در ایران در دوران انقلاب در جنگ دیده شده است. در واقع این سرمایه موجب می شود در هزینه ها شخصی و مدیریت کردن، صرفه جویی می شود. در جاهایی که سرمایه اجتماعی پایین است، مدیریت آن جامعه خیلی به هزینه و سخت خواهد بود و حکومت دلبازی هزینه ضللی گران خواهد بود.

در جاهایی که انباشت سرمایه اجتماعی بالاست، هزینه ها نوکیده نظم، امنیت و برقراری مقررات کاهش پیدا می کند.

طبق ارزیابی ها زمانی که سرمایه اجتماعی در ایران بیشتر بوده (مثلاً اوایل انقلاب) عملکرد اقتصاد نیز بهتر بوده است.

نام دیگر سرمایه اجتماعی **همبستگی ملی**، اتحاد ملی، انسجام اجتماعی نیز می باشد.

اما سازوکار سرمایه اجتماعی، که از طریق ایجاد اعتماد ملی و حفظ وحدت (اجتماعی) موجب توسعه، و راهی مدیریت جامعه می شود؛ در صورت بی اعتمادی مردم به دولت و نهادها دولتی، آمارها و سیاست ها دولت و اثر بخشی آن ها کاهش خواهد یافت.

سرمایه اجتماعی از نوع کیفی است لذا از متغیرهای جانشین (Proxy) که نمایندگی شخص سرمایه اجتماعی است قابل ارزیابی است. نمایندگی‌های زیر قبیل:

- ① تعداد عضوهای بلا عمل (جک برکستی)
 - ② میزان امتیاز در گروه
 - ③ میزان فساد اداری
 - ④ میزان دردی و سرفت
 - ⑤ تعداد پیوندهای کارگاه‌ها در موزه‌ها (خاص)
 - ⑥ میزان کلاهبرداری
 - ⑦ پیوندهای مربوط به اختلاف و مناقشات خانوادگی
 - ⑧ میزان جری‌ها
 - ⑨ میزان طلاق
 - ⑩ تعداد دو طلبان حلال امر
 - ⑪ تعداد NGO ها
 - ⑫ تعداد اعضای سازمان‌های غیردولتی
 - ⑬ تعداد سازمان‌های دو طلبان
 - ⑭ تعداد فرار مالیاتی
 - ⑮ ...
- که بعضاً ترکیبی از آنها را به عنوان شخص سرمایه اجتماعی استفاده می‌شود. (همین کولمن، رابرت پوتن)

عوامل تخریب‌کننده سرمایه اجتماعی

بلوک‌های سازنده سرمایه اجتماعی

① نرخ تورم بالا	① نهاد خانواده
② نرخ بیماری بالا	② دولت
③ شکاف طبقاتی	③ دین (مذهب، مسجد و ...)
④ بی‌عدالتی اجتماعی	④ ثبات سیاسی
⑤ فساد سیاسی	⑤ ثبات مدیریتی
⑥ فساد اداری	⑥ رفاه اجتماعی
⑦ بی‌ثباتی سیاسی	⑦ قابلیت اعتماد به دولت
⑧ بی‌ثباتی مدیریتی	⑧ عدالت اجتماعی
⑨ رانت جویی	⑨ قانون مداری دولت
⑩ عدم باورپذیری دولت و سیاست‌گذاران به حواله داری‌ها	⑩ مدرسه
⑪ قانون‌گرایی	⑪ دانشگاه
⑫ فقر	و
⑬ بی‌ثباتی نرخ ارز	
⑭ نااطمینانی	
⑮ رکود اقتصادی	

کمبود انباشت سرمایه اجتماعی در ایران، ریشه‌های عمیق و مشکلات کشور می‌باشد.

امروزه گفته می‌شود؛ کشوری توسعه‌ی پایدار که توانایی تولید، انباشت، کسب و صیانت از سرمایه‌ها، غارین و اجتماعی را داشته باشد.

سرمایه‌ها غارین به هرگونه سرمایه گفته می‌شود که به مرز شرف و اشتغال و سرسبز به گونه‌ای که در بین دارندگان آن ارزش، احترام و افتخار ایجاد کند.

برخی سرمایه‌ها غارین عبارتند از:

نوروز	عاشقانه	طلای بستان
سبزه‌بهر	حافظه	تخت نامه
عید فطر	معاوی	تختی
چهارشنبه‌سوری	عزروسی	ستارخان
عید قربان	بلی خواجه	امیرکبیر
قرآن	سی و سه پل	گلندی
نلسون ماندلا	مادر ترزا	و ...

کارکردهای سرمایه‌ها غارین

- از ریشه خود و دل‌های‌ها متناسب به خود را چندین برابر می‌کند.
- مثل آهن‌با سایر سرمایه‌ها لا به خود جذب می‌کند.
- مثل نمک خیمه اجتماعی عمل می‌کند. بویژه در شرایط بحران مانع از زواری می‌شود.
- نماد سازی می‌کند و نمادها اضافی را اصلاح، مزایم را کنار و نمادها مفید را تقویت می‌کند.

96, 2, 10

سوال همیشه‌گی اقتصاد ایران این است که: چرا لگن تولید ملی کوچک است؟ چرا درآمد سرانه کشور پایین است؟ چرا بهره‌برداری بیشتر کرده ایم؟

به آمار درآمد سرانه در ایران و همچنین کشور بزرگتره طی سال ۱۹۷۷ و ۲۰۱۵ دقت فرمایید:

کشور	۱۹۷۷	نسبت به ایران ۱۹۷۷	۲۰۱۵	نسبت به ایران ۲۰۱۵
ایران	۲۱۲۶	(-)	۴۸۷۷	(-)
مالزی	۱۰۸۶	٪۵۱	۹۵۵۷	٪۱۹۶
کره جنوبی	۱۱۲۴	٪۵۳	۲۷۱۹۵	٪۵۵۸
تایوان	۱۴۲۰	٪۶۷	۹۴۳۷	٪۱۹۳
برزیل	۱۵۵۳	٪۷۳	۸۶۷۰	٪۱۷۸
چین	۱۷۴	٪۸	۷۹۹۰	٪۱۶۳

می دانیم درآمد ملی یا GDP هر کشور حاصل جمع درآمد تولیدکنندگان آن کشور می باشد. مثلاً:

$$GDP_{\text{ایران}} = \sum (\text{تولید چین} + \text{تولید چین} + \dots) \quad \text{سرانه GDP} = \frac{GDP}{\text{جمعیت}}$$

$$GDP_{\text{ایران}} = \sum (\text{تولید سوئیس} + \text{تولید سوئیس} + \dots)$$

سوال دیگر اینکه چرا متوسط تولید هر کشور ایرانی از یک کشورند مثلاً آلمانی، کمتر است؟

می توان اینطور پاسخ داد که:

$$y = \frac{Y}{N}$$

$$y = \text{درآمد سرانه} = \text{تولید سرانه}$$

تولید ناخالص داخلی

$$\frac{Y}{N} \times \frac{N}{N} = \frac{Y}{N} \times \frac{N}{N}$$

نسبت اشتغال یا نرخ مشاغل اقتصادی اگر چه
ن را تعداد افراد درین کار (۱۵-۶) در نظر بگیریم.

$$AP_L = \frac{Y}{N} = \frac{Y}{L}$$

ملا تولید ایران در سال ۱۳۹۵ حدود ۵۰۰۰۰۰۰۰ دلار بوده است؛ یعنی:

$$APL = \frac{500,000,000}{22,000,000} = 22.7$$

یعنی برای هر دلار در سال ۹۵ حدود ۲۲ دلار تولید کرده است.

پس می توان نتیجه گرفت، درآمد سرانه در یک کشور به بهره وری عوامل تولید، نیروی کار و تعداد کلین یا نرخ مشارکت اقتصادی بستگی دارد. (چند نفر و یا چه بازدهی کاری کنند؟)

ثروت هر کشور = تعداد کلین × بهره وری کلین

درآمد سرانه در ایران پایین است چرا که بهره وری نیروی کار و نرخ مشارکت اقتصادی پایین است.

چرا نرخ مشارکت اقتصادی در ایران پایین است؟ (حدود ۴٪ بهر آورد مرکز پژوهش ها مجلس)

۱) نرخ مشارکت اقتصادی پایین زمان در کشور (بهترین حالت ۱۷٪ بهره وری کارخانه) که ریشه در مسائل زیرجغلی، اجتماعی، سیاسی، نهادی و ... دارد.

۲) رکود اقتصادی و سرخوردگی نیروی کار در پیدا کردن شغل

۳) گستردگی بخش ریز صنی و غیر رسمی اقتصاد (اقتصاد زیر صنی)

۴) دلایل دیگر از قبیل: یارانه ها، بافت فرسوده تکنولوژی، کم بودن مهارت، متناسب نبودن نظام آموزشی با نیازها کار کشور و ...

$$\text{جمعیت غیر فعال} + \text{جمعیت فعال} = \text{جمعیت در سن کاری کشور}$$

در ایران حدود ۴۰ میلیون نفر
کافی هستند که کار ندارند
و به دنبال کار نیز نمی گردند.
مسئله، دانش جوانان، تحصیل، مهارت و ...

$$\frac{\text{کلین}}{\text{جمعیت فعال}} = \text{نرخ اشتغال کلین}$$

کلین

$$\frac{\text{بیماران در جستجوی کار}}{\text{جمعیت فعال}} = \text{نرخ بیکاری}$$

به آفاز زیر توجه نماید:

ردیف	کشور	جمعیت	تعداد شغلین	جمعیت فعال		
				مرد	زن	کل
۱	چین	۱,۲ میلیارد نفر	۸۰۰ میلیون نفر	۴۶٪	۶۴٪	۷۱٪
۲	کره جنوبی	۴۹ میلیون نفر	۲۷ میلیون نفر	۵۰٪	۵۰٪	۶۱٪
۳	مالزی	۳۱ میلیون نفر	۲۱ میلیون نفر	۵۵٪	۴۵٪	۶۰٪
۴	برزیل	۲۰۴ میلیون نفر	۹۱ میلیون نفر	۴۱٪	۵۹٪	۷۰٪
۵	ترکیه	۸۰ میلیون نفر	۲۷ میلیون نفر	۷۱٪	۲۹٪	۴۹٪
۶	ایران	۸۰ میلیون نفر	۲۲ میلیون نفر	۷۴٪	۱۷٪	۴۵٪

با توجه به این جدول می توان گفت:

ثروت هر کشور = تعداد نفرات کار × بهره وری هر نفر ساعت کار

مرکز پژوهش های مجلس کارشناسان در ایران، هر روزانه ۲ ساعت و هفته گوی ۱۱ ساعت اعلام نموده است. این در حالی است که ژاپن ۴ تا ۶ ساعت کارشناسان هفته گوی و کره جنوبی ۵ تا ۷ ساعت کارشناسان هفته گوی را اعلام نموده اند.

انواع تقویم در ایران

- شمسی: نوروز، ۲۹ اسفند و ...
- قمری: ولادت، شجارت، اعیاد و ...
- میلادی:
- انقلابی: ۱۲ بهمن، ۲ فروردین، ۵ خرداد و ...
- بین الاقصادی ها
- عملی
- در حقیقت ها
- آب و هوا و جوی، دین، ارتداد و ...
- حواریت و سایر

نحوه محاسبه نفرات کار در ایران

می دانیم در ایران ۲ میلیون شغل داریم و هر شغل در طول روز باید ۸ ساعت کار کند. همچنین با توجه به انواع تقویم ها در ایران، حداقل هر ۲۵ روز کاری وجود دارد:

$$\text{ثروت ایران} = ۲,۰۰۰,۰۰۰ \times ۸ \times ۲۵ = ۴۰۰,۰۰۰,۰۰۰ \text{ نفر ساعت کار در ایران}$$

اما این جمعیت شغل در کشور هستند؛ حال به بررسی بیکاری در ایران می پردازیم:

آشکار: حدود ۲ میلیون نفر در ایران فاقد هرگونه شغل هستند.

بیکاری

پسند: این نوع بیکاری که **استعمال کاذب** نیز نام دارد، حالتی است که فرد در ظاهر شغل دارد و در دستکسب می‌کند، اما چیزی به تولید ملی اضافه نمی‌کند و نبودن او نیز تأثیری بر تولید ملی ندارد.

مثال اداره ای که ۱۰ کارمند دارد اما تنها ۴ کارمند کار انجام می‌دهند و ۵ نفر باقی، ۸ نفر کار از اداره کم می‌کنند.

در ایران حدود ۵ میلیون نفر استعمال کاذب داریم؛ لذا خواهیم داشت: ساعت روز نفر

نفر ساعت کار استعمال کاذب (در روز) = $1,000,000 \times 8 \times 250,000$

خوبه برادر استعمال کاذب به اینگونه است که در دو سال مختلف تعداد نیروی کار و تولید یک واحد را در نظر می‌گیریم و مثال زیر، حتی با وجود تفاوت چندانی در تولید رخ نداده باشد، نیروی کار اضافه شده در این سال‌ها، اضافی و در ایران استعمال کاذب خواهد شد.

	۱۳۹۰	۱۳۹۰
نیروی کار	۴۰۰	۱۰۰
تولید	۱,۰۰۰	۱,۰۰۰

با کسر این ۱ میلیارد نفر ساعت کار استعمال کاذب از ثروت ایران به رقم ۳ میلیارد نفر ساعت کار می‌رسیم. و اگر تقویم‌ها گفته شده بتواند

۱ میلیارد دیگر نیز از ثروت ایران کم کند؛ در نهایت ۲ میلیارد نفر ساعت کار در اختیار اقتصاد ایران است. این ثروت ملی ناشی از نرخ شکست اقتصادی کم در ایران است که با توجه به ساختار جمعیتی پیرما جوان (هرم‌شکل) با زحم دست خوش تغییر می‌گردد.

اگرچه کشورها دارای هرم‌های مختلفی هستند و تفاوت هستند. این‌ها نیز به بهره‌وری مربوط می‌شود.

- بی‌عدالتی سیاسی، وضعی، اقتصادی و ...
- نبودن نظام سه پایه‌سالاری
- فضای سیاسی، فرهنگی، مدارس و ... جامعه

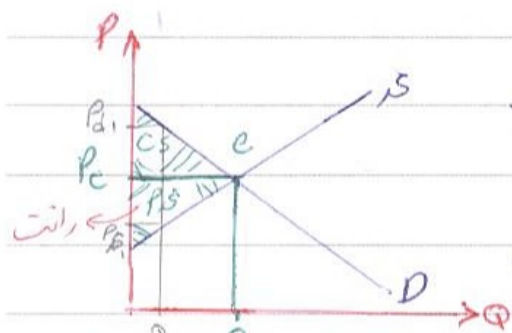
همچنین ارزش بهره‌وری نیز بین دو کشور یکسان نیست.
مثلاً: خدا استاد کار فروش در ایران یک سال به 4 حصه یک محصول نفیس تلاش می‌کنند. با صادر کردن این فرس به آلمان تنها یک دستگاه تلفن همراه این قابل خرید است. این بدان معناست که یک سال بهره‌وری ایران معادل 1 ساعت بهره‌وری آلمان است.

- عوامل مختلف، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و... بهره‌وری تأثیرگذار است. برخی دلایل بهره‌وری در کشورها عبارتند از:
- نظام آموزشی کارایی ندارد.
 - ساختار سیاسی انگیزه لازم را نمی‌دهد.
 - ساختار قوه قضاییه ناکارآمد است.
 - شکاف درآمدی.
 - مهارت‌های زندگی و...

البته می‌توان گفت: توازن در محیط به لحاظ حقوقی، اجتماعی، سیاسی و... باعث می‌شود ارزش بهره‌وری انسان‌ها متفاوت باشد.

96, 2, 17

یکی از ویژگی‌های اقتصاد ایران، رانتی بودن آن است. در این جنبه به تعریف رانت، رانت عمومی، بیماری حلقه‌ای یا بلای منابع طبیعی می‌پردازیم:



می‌دانیم که در بازار رقابت کامل تخصیص بهینه منابع صورت می‌گیرد. اما جاب است بدانیم در همین بازار نیز رانت وجود دارد. رانت نام دیگری بود ویژه اقتصادی یا انبساط رفاه تولیدکننده نیز شناخته شده است.

می‌دانیم در بازار رقابتی $P = MC$ ، تخصیص بهینه منابع رخ داده است. هر جا $P \neq MC$ باشد رانت اقتصادی رخ داده است. در واقع زمانی که $P > MC$ باشد یا به عبارت دیگر $P - MC > 0$ باشد رانت رخ داده است.

البته این رانت مثبت موجب انگیزه دادن به تولید می‌شود و از آن به عنوان یک مفهوم مثبت یاد می‌شود.

امارات می تواند محصول ایجاد یک محدودیت و نیمايي ساختگي يا مصنوعي باشد. جامعه، دولت و سياست می توانند اين رانت به ايرانت مکتور را ایجاد کنند.
رانت می تواند با قانون گذاری، اعمال سياست ها اقتصادي، انتقالات سياسي و... ایجاد شود.

رانت و عايدی است و با درآمد متفاوت است. در اقتصاد به عايدی حاصل از عوامل توليد **درآمد می گوئيم**.

تعريف دیگر رانت، عايدی است که اضافه بر هزینه ها فرسوی توليد حاصل شود. MC : هزینه فرسوی توليد به گونه ای که اگر با تدابير سياسي، اين عايدی را از عوامل توليد بگیريم؛ تأثیر منفی در انگیزه ها عوامل توليد ایجاد نخواهد شد.

یار آوری و **حی رانیم که** $w = P \cdot MP_L$ دستمزد هزینه به کارگیری نیروی کار
 $r = P \cdot MP_K$ نرخ بهره هزینه به کارگیری سرمایه
لذا هر چه اضافه بر هزینه فرسوی عوامل توليد (MP_L و MP_K) باشد، رانت محسوب می شود.

می دانيم که هر جا محدودیت باشد رانت داریم.

- محدودیت طبیعی: مثل نفت، معادن، ذخایر زیر زمینی، استعداد خزی و...
- محدودیت سياسي:
- محدودیت جامعه: روحانیون، جامعه کاستی هند، نظام ایهاب عربی و...
(امتیازات طبعه)

هر رابطه با رانت طبیعی باید گفت: علم اقتصاد می گوید $P = MC$ باشد. املا استخراج نفت؛ هزینه ترسکه استخراج نفت یا دلار در ایران می باشد. اگر قیمت در بازار به P باشد عین شود، داریم:

$P = 4$ $MC = 1$ و $P - MC = 3$

رانت خوب، موجودیت انجمن، موجودیت طبیعی

اما عدم مدیریت این رانت موجب ایجاد **بلاي منابع طبیعی** می شود.

در رابطه با رانت اجتماعی باید گفت: این رانت امتیازاتی هستند که خود جاسه به افراد یا گروه‌ها و طبقات داده است.

علت وجود این نوع رانت می‌تواند عمدتاً ذهنی و... باشد. این رانت می‌تواند موجب شود، گروهی خاص بدون تلاش عایدی بسبب کنند.

در رابطه با رانت سیاسی باید گفت: این رانت ناشی از ارتباطات و سیاستمداران و قدرتمندان ایجاد می‌شود. رانت حای همچون:

	دریافت وام	
	- حمایت مالیاتی	
	- تخفیف مالیاتی	
	- بخشودگی مالیات‌ها	
	- بخشودگی تعرفه‌ها	
	- گامی و کم بهره و...	
اگر نرخ بهره در بازار ۲۰٪ باشد:		
رانت = ۲۶٪ - ۲۰٪ = ۶٪		
رانت = ۲۴٪ - ۲۰٪ = ۴٪		
رانت = ۲۰٪ - ۲۰٪ = ۰		
رانت = ۱۶٪ - ۲۰٪ = -۴٪		

که ناشی از ارتباط با سیاستمداران حاصل می‌شود، رانت سیاسی محسوب می‌شود.

نکته: رانت حای هستند که برای جامعه لازم هستند.

در کشورهای توسعه یافته، نیروی و... نیز رانت وجود دارد؛ و میزان قابل توجهی رانت تحت عنوان رانت اجتماعی و یا رانه وجود دارد. اما به علت آنکه این نوع رانت‌ها مبنای نیستند، این اقتصادها رانتی محسوب نمی‌شوند.

اقتصادی که دارای انواع رانت، فرامان باشد اقتصاد رانتی محسوب می‌شود. به طوری که بخش وسیعی از امور ایران از طریق زیرساخت نفت تامین می‌شود. لذا اقتصاد ایران، اقتصاد رانتی است.

همچنین اقتصاد نفتی با اقتصاد وابسته به دلارها نفتی متفاوت است. اقتصاد ایران وابسته به دلارها نفتی است.

دولت رانتی، دولتی است که بخش زیادی از خارج خود را از محل غیر لزمانیات (مثلاً نفت و گاز) تأمین کند. این دولت ها با سنگو و شفاف نیستند. به طور مثال، دولت های خاور میانه عمدتاً دولت رانتی هستند.

اما نه ورنه نیز نفت دلار در. اما نه اقتصاد وابسته دلار نفتی دلار و نه دولت رانتی محسوب می شود. چرا که از محل فروش نفت، وام اقتصادی داده می شود از سود وام، درآمد دولت است تا این اجتماعی و تولید کالای عمومی، استفاده می شود. در واقع بنیان اقتصاد نه ورنه به جای نفت، کار و ارزش افزوده است.

به این مثال تقسیم کنید: تقسیم متوسط درآمد کارگران APL از $APL = \frac{Y}{L}$ محاسبه می شود. در صنایع دیگر رانت وجود دارد؛ مثلاً نفت ایران بداریم:

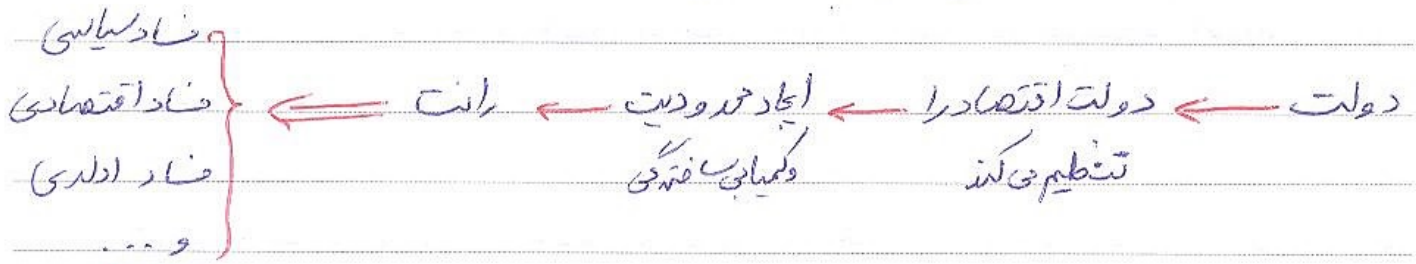
$$\frac{Y}{L} = \frac{1,000,000,000,000 \$}{2,000,000,000} = 50,000 \$$$

یعنی هر کارگر صنعت نفت می باید 50,000 \$ درآمد کسب کند! اما این درست نیست. یعنی حقوق یک کارمند صنعت نفت باید به میزان ارزش افزوده ای که دی تولید می کند باشد؛ چرا که او در ایجاد این رانت نقشی نداشته و با استناد این رانت بین کارگران صنعت نفت عملاً اصول اقتصادی و کارایی زیر سؤال می رود.

رانت جویی: به هر گونه، اقدام و مخالفت برای رسیدن و تحصیل رانت، رانت جویی گفته می شود. در رانت جویی از ابزارهای همچون: ۱) فشار ۲) تهدید ۳) تکلیف ۴) تحریک ۵) لابی گری ۶) فساد اداری ۷) فساد اقتصادی ۸) فساد سیاسی و استفاده می شود در مواردی همچون: ۱) بی قانونی ۲) قانون شکنی ۳) پنهان کاری و تخلفات کمتر ۴) عدم پاسخگویی و ... حاصل می شود.

زیرن کسب بر اخذ مجوز کالای خاص مثل لباس بچه ما صاحب امتیاز شویم. شخصی که مجوز می گیرد لزوماً باید بر خوردی شود (میزان قابل توجه) - شخصی که مجوز می دهد، با توجه به مزایای مجوز گیرنده، چون های، کادو پور رانت و ... می خواهد ایجاد شود

نمای موارد فساد ریشه در رانت دارد:



96, 2, 24

در ابتدای این جلسه، ابتدا به شرح برخی مسائل روز اقتصاد ایران و نیز دلزم کسب به ویژگی دیگری از اقتصاد ایران با نام بلاي منابع طبیعی خواهیم پرداخت.

تعریف رکود اقتصادی: هرگاه در شرایطی قرار بگیریم که تولید ملی (نرخ رشد اقتصادی) در سال، نسبت به سال قبل کمتر شده باشد؛ ما در شرایط رکودی قرار داریم.

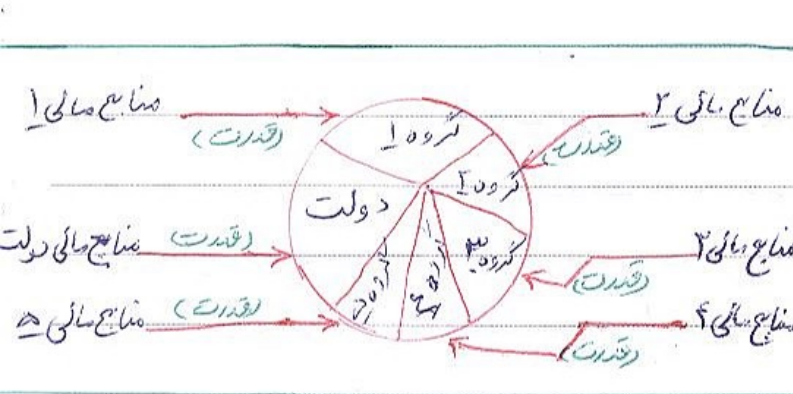
تعریف بحران: هرگاه در شرایطی قرار بگیریم که نرخ رشد اقتصادی از متوسط بلند مدت کشور مورد نظر کمتر شود، می‌توانیم آن کشور در شرایط بحران قرار داریم.

لذا هرگونه ادعا در مورد رکود اقتصادی یا بحران اقتصادی می‌بایست با تعاریف بالا سنجیده و بیان گردد. حسن مردم در این رابطه نمی‌تواند ملاک خوبی جهت تشخیص وضعیت باشد.

نرخ تورم مورد تحمل مردم: آن نرخ تورم است که مردم یک کشور انتظار آن را دارند و در صورت وقوع این نرخ تورم، جامعه اعتراض زیادی نمی‌کند. طبق برآورد ها انجام شده مردم ایران نرخ تورم ۲۰٪ را تحمل می‌کنند. لذا تورم تک رقمی الزاماً برای ایران مناسب نمی‌تواند باشد.

ویژگی دولت‌ها با نفوذ ناهمگن: یکی دیگر از ویژگی‌ها اقتصاد ایران دولت‌هایی است که نفوذ ناهمگن دارند.

حکومت، انتلافی از گروه‌ها مختلف است لذا در ایران احساس می‌شود به طور عمده دولت‌ها



تفاوتی وجود دارند.
 یعنی هر گروه با ائتلافی در زمینه خاص
 تشکیل شده است و در نتیجه قدرت
 خاص خود را دارند.
 این توزیع خاجمکن موجب شده تا دولت
 قدرت خاص لازم را نداشته باشد.

بدان مفهوم که همه گروه ها در قدرت ایران نفوذ و مشارکت دارند اما هیچ یک تسلط مستقیم
 از مصلحت ملی ندارند.

ناجمنگی یعنی قرائت ها و تفاسیر مختلفی از مصلحت ملی و اداره حکومت وجود دارد.
 در این حالت ائتلاف منابع زیادی به چشم می خورد؛ چرا که هر کس و هر گروه در پی حداکثر کردن منافع
 شخصی یا گروهی خود است.

بلائی منابع طبیعی

(شوی منابع طبیعی، زمین منابع طبیعی، بیماری هلندی)

این مفهوم یکی دیگر از ویژگی های مهم اقتصاد ایران است. اولین تعریف در زمینه بحث بیماری هلندی
 است که در ادامه به آن می پردازیم:

هلند تا دهه ۶۰ میلادی ولدکننده گاز بود. اما در اوایل دهه ۹۰ درستی از دریای شمال که فاک هلند
 محسوب می شد، ذخیره گاز کشف شد. لذا هلند مصفول استخراج این منبع طبیعی گردید و هلند
 از این پس صادرکننده گاز تبدیل شد. لذا از این محل منابع مالی و لذت های خیلی زیادی نصیب این کشور گردید
 تصور بدین بود که این منابع مالی جدید موجب حکومتی بیست اقتصاد هلند و صنعت همیشه برآم
 آن کشور گردد. بد مفهوم که توهم کاخمش، در دهه ۹۰ افزایش و اتمقال نیز افزایش باید.

اما پس از مدتی هلند هم توهم زیاد قیمت کالاها و خدمات غیر قابل اتمقال و مکن و مستغلات که غیر قابل

صادرات یا واردات هستند؛ (Non Tradeable)؛ گسترش تحرشینی که در پی آن رکود شدیدی در بخش کشاورزی رخ داد (عقب گرد کشاورزی)؛ رکود شدید بخش صنعت (عقب گرد صنعتی)؛ ارزش پول زیاد ملی که موجب واردات بسیار زیاد و کاهش در صادرات غیر نفتی گردید؛ رونق بخش خدمات و ... گردید.

در مجموع؛ علیرغم بیس بنی ها و وضع اقتصادی هلند بهتر شده بود. و این مسئله از نظریات و الگوها اقتصادی قابل بیس بنی یا توجه نبود.

اقتصاد دانان مختلفی به علت رخ دادن این پدیده پرداختند و در سال ۱۹۷۳ هجرت نامه آکونومست مقالای با نام بیماری هلندی منتشر کردند که این پدیده بر دلالت بود.

از آن تاریخ هر کشوری که صادرات منابع طبیعی نفت و گاز و حتی الماس و ... دچار پدیده ها اقتصادی گفته شده گردد؛ می گویند آن کشور دچار **بیماری هلندی** شده است. کشورهایی مثل ایران، امارات، کشورهای خاور میانه و ...

بیماری هلندی در ایران از سال ۱۳۵۲ در پی افزایش ناگهانی درآمد نفتی ایران که ناشی از تحريم اعراب کشورهای مستلغ عربی در پی شکست در جنگ شش روزه اعراب و اسرائیل، کشورهای عربی را معمری دادند و آنها را تحريم نفتی نمودند) بود بوجود آمد.

در این زمان علیرغم هشدار اقتصاد دانان آن زمان، انگلی تمدن بزرگ باعث روند تکداری بیماری هلندی در ایران شد. در جایی که صادر ایران و جاده ها هنوز ظرفیت واردات را نداشته، واردات هم شدت افزایش یافته بود. که البته عدم مدیریت صحیح و استفاده از تجربیات هلند در این زمینه، سال ها بعد موجب بیماری هلندی در ایران شد.

به طور مثال فرض کنید شما در حال حاضر یک فرد زمان هستید. اگر به طور ناگهانی درآمد صید میلیاردری نصیب شما شود آن هم بدون زحمات خاصی؛ موجب عوض شدن سبک زندگی و حتی اختلاط نیز می شود. و در واقع این چند میلیارد هم جایی نعمت موجب ثروت و اختلاط نگردد است.

در نهایت این بیماری به بخش ها دیگری نظیر، فرهنگ و سیاست نیز تسری پیدا کرد. رفته رفته فرهنگ مردم ایران، خدماتی و رفاهی شد، مردم کمتر به فعالیت ها ک و ورزشی و هلندی پرداختند و تن به ور شدند.

همه اینها هم عدم ارتقاء نظام ها مالیاتی ایران و در پی وابستگی به نفت) موجب شد فرار مالیاتی

رض دهد و همچنین حاکمان نیز دیگر یا سخلو نباشند و به سمت دلیلی توری بروند.

این اتفاق در کشورهای همچون عراق، عربستان، کویت و ... نیز افتاد.

تا جایی که بیماری هلندی خیلی بیشتر و عمیق تر در این کشورها رخ کرد و بخش‌های سیاسی و فرهنگی را نیز آلوده کرد. حاکمان و مردم از یکدیگر جدا شدند و حاکمان به عدم پاسخگویی و دلیلی توری و طاری شدند. مردم نیز به سمت رانت جویی و کارمند دولت شدن روی آوردند.

اینجا بود که نفت به جای صوحت الهی تبدیل به یک بلا شد و حتی برخی به این نتیجه رسیدند که کشور بدون نفت بهتر است.

مثلاً کره جنوبی که هم سطح همین کشورها بود، بدون منابع طبیعی، عملکرد بهتری داشته است.

در سال‌های اخیر نیز ۱ سال منتهی به ۹۲ ایرا حدود ۷ میلیارد دلار درآمد نفتی کسب کرد و خردآبایان استباه عملی، این دلارها را به ریال تبدیل کرده و در جامعه پول تزریق نموده شد.

این روحانی است که فرور نیز در همین زمان از درآمد بسیار بالایی برخوردار شد. اما این پول‌ها را به کسوف تبدیل نکرد و در صندوق ذخیره ارزی نگه داشت. این صندوق که در سال ۱۹۹۶ ایجاد شد هم منظور عدم خرج کردن دلارها نفتی بود. درآمد ها نفتی این صندوق به دلار و لم داده و پس گرفته می‌شود. این عمل موجب ترک خیلی خوب نرزد شد و به طبع همزمان دلار این کشور از بیماری هلندی رنج برد بود.

در حال حاضر صندوق ذخیره ارزی نیز بیشترین ذخیره ارزی را داراست.

نکته: زمانی که ارزش پول یک کشور در مقابل ارزش پول کشور مقابل افزایش یابد، صادرات به آن کشور مقابل گران‌تر می‌شود. و در مقابل صادرات به آن کشور اول (ارزای ارزش پول بیشتر) به صرفه‌تری شود.

پس هرگاه ارزش پولی ایرا تقویت شود، صادرات ایرا کم و واردات ایرا افزایش می‌یابد.

سؤال: آیا بیماری هلندی همیسیگی است و قابل رفع نیست؟ آیا خودنفت بلاست یا مدییت آن؟ کشورهای همسند که نفت دارند و هیچ وقت دچار بیماری هلندی نشده‌اند؟

پایخ آن است که خودت سخت است ولی مدیریت نامحیرت کن می تواند بزرگ ساز شود.

در واقع با توجه به روند تاریخی و تجارب سایر کشورها معلوم می شود که کشورهایی که قبلا ساختارهای سیاسی، فرهنگی، اقتصادی **هموگن** داشته اند، توانسته اند این بحاری حلندی را کنترل کنند.

چند روش برای تقویت مدیریت منابع طبیعی وجود دارد: **(مدیریت پیمانه منابع طبیعی)**

- ایجاد صندوق ذخیره ارزی
- ایجاد صندوق توسعه ملی
- رعایت عدالت بین نسلی در استخراج نفت
- سرمایه گذاری دلارها نفتی در زیرساخت ها
- سرمایه گذاری دلارها نفتی در پروژه ها سودآور و صی در سایر کشورها
- وام دادن به سایر کشورها
- اعطای وام به فعالیتهای مولد خصوصی
- تقیم بیمه های بیمه گاری و ...

نفت یک ثروت ملی است برآورد ایرانی ها و در همه زمان ها. لذا با افزایش کرون دلارها نفتی در زیر ساخت ها و مثل همان، بنبر و ... می توان این دلارها را برای سال ها بعد ذخیره کرد.

96, 2, 31 →

نکته: رسیدن به رشد واقعی در ایران به صورت بالقوه وجود دارد و با توجه به ظرفیت های موجود در ایران استیاری به آن امکان پذیر است. اما در راه رسیدن به این حجم، چالش های رسیدن به ایجاد ده ها میلیون شغل در سال، اجماع و وحدت همه عتوا میباشد. اما می دانیم که به علت ناآهنی در اقتصاد ایران، این ظرفیت در بالفعل شدن کاهش پیدا می کند.

انگلو برداری از اقتصاد گرجستان

به تازگی طبق گزارش وزارت اقتصاد، گرجستان به عنوان انگوی خوبی در ایران آبرآ بوده است.

شروع کسب و کار معرفی شده است در این گزارش آمده است:

گرجستان طی ۱۰ سال توانسته با اصلاح ساختارها، رتبه خود را در گزارش بانک جهانی از رتبه ۱۳۰ به رتبه ۱۶ ارتقاء دهد. یعنی اگر ۱۰ سال پیش برای شروع کسب و کار در گرجستان نیاز ۱۲ ماه زمان و هزینه بود، هم اکنون این کار را در ۱۰ روزه انجام می‌شود.

گرجستان در بهبود ساختار قضایی و کاهش فساد اداری تلاش بسیار و صورتی را انجام داده است. همچنین در زیر شاخص‌های مثل تجارت فرامرزی، دسترسی به برق و پرداخت دیون رتبه آلمانی نداشته است. اما در کل توانسته فضای کسب و کار کشور را بهبود بخشد.

هم اکنون ایران بایه با توجه به سهم اندک و کشورهای رقیب معرفی شدن در منطقه؛ ۱۳۰ کشور رادرتخص رقابت پذیری جهانی و ۱۶ کشور رادرتخص تحول فضای کسب و کار بیست برتر قرار دارد.

مفهوم اقتصاد درگفده سیاست: این عنوان که مقاله‌ای نیز با همین نام منتشر شده است؛ بیان مفهومی است که اقتصاد ایران در سطره و نمود سیاست می‌باشد.

نفت یک کالای سیاسی است و با اتفاقات سیاسی در کشورها ارتباط عمیقی می‌شود. این نیز از طریق نفت با دنیا در ارتباط است. لذا اقتصاد ایران سیاسی و مکتوم در سیاست است.

همچنین بی ثباتی سیاسی موجب بی ثباتی در اقتصاد می‌شود. بی ثباتی سیاسی مثل کم برای اقتصاد ایران است.

مفهوم عاقبت طلبی سیاستمداران: این مفهوم بیان کننده آن است که سیاستمداران و سیاستمداران ایران چه در دستگاه‌های اجرایی چه در نهادهای اقتصادی ایران به دنبال اهداف کوتاه مدت و به غیر گذشتن دوران ریاست خود هستند. این افراد به الگوها رشد و رسیدن سودی توجه اند و به نفعی و سودی و سودی بیشتر به دنبال عاقبت طلبی هستند.

از این منظر، اقتصاد ایران دچار مشکل بوده و نه تنها رشد نمی‌کند که برخی اوقات عقب‌گرد نیز می‌کند.

مفهوم سین انداز واقعی منفی (سین انداز اصیل):

ما در مفاهیم اقتصاد کلان مصرف و سین انداز را تعریف کرده بودیم:

$$C = e \cdot y$$

$$S = \alpha \cdot y$$

$$\Rightarrow y = C + S \Rightarrow S = y - C$$

از این منظر، سین انداز، آن قسمت از درآمد است که مصرف نمی شود.

اما بی دانه که منظور از y درآمد و عایدی حاصل از تلاش و کوشش مولد است.

$\frac{y}{y} = \frac{C}{y} + \frac{S}{y}$
$\downarrow \quad \downarrow \quad \downarrow$
میل نایبی به سین انداز + مصرف
$1 =$
بین همزدیک بین همزدیک

درآمد (y) : عایدی حاصل از به کارگیری و بهره وری عوامل تولید.

لذا وقتی به درآمد ملی ایران نگاه می کنیم در پیایم که:

$$\text{سین انداز ناشی از استفاده از ذخایر منابع طبیعی و سرمایه ملی} + \text{سین انداز ناشی از به کارگیری و بهره وری عوامل تولید} = S$$

لذا بانک جهانی به آذگی، سین انداز را، سین انداز ناشی از به کارگیری و بهره وری عوامل تولید معرفی کرد و تأکید نمود که عایدی است سین انداز ناشی از استفاده از منابع طبیعی و سرمایه حاصلی باید از سین انداز ملی کمتر شود. بانک جهانی این سین انداز را سین انداز اصیل نام گذاری کرد.

$$\text{سین انداز ناشی از استفاده از منابع طبیعی و سرمایه ملی} - \text{کل سین انداز ملی} = \text{سین انداز واقعی و اصیل}$$

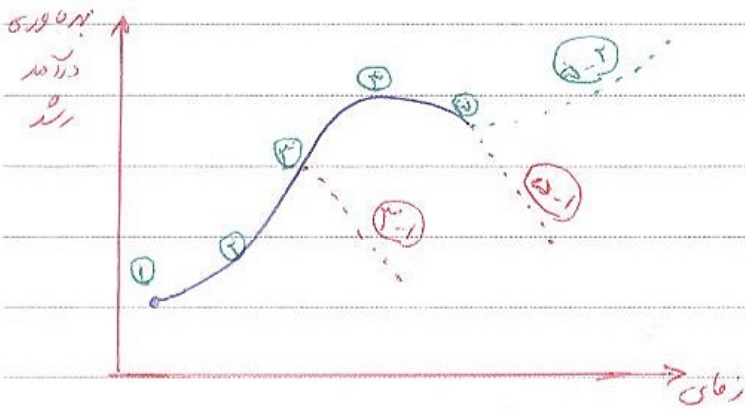
یکبار دیگر می گوییم اقتصاد ایران سین انداز منفی اصیل است. (زیرا نفت نسبت به بهره وری عوامل تولید خیلی بیشتر است)

همچنین اگر بگویم میل نایبی به سین انداز در ایران ۲۰٪ است و در روسیه نیز ۲۰٪ است، این به مفهوم برابر بودن این دو نرخ نیست. چرا که سین انداز در این کشور ناشی از کار مولد نیست.

بسیاری از کشورهای خاور میانه دچار بدبزه سین انداز منفی هستند.

مفهوم کجولت اقتصاد ایران: کجولت اقتصاد ایران عنوان مقاله‌ای است که با نام دکترگیری همچون پیری زودرس اقتصاد ایران نیز شناخته می‌شود. این مصمم بیان می‌دارد که:

با وجود هرچه عمر سازمان‌ها، رفتار آنها از یک سیکل دوره بهره‌بروی می‌گذرد:



① تاسیس

② رشد

③ بنزنگاه رشد

③-1 بهره‌بروی زودرس: ناشی از نسیانگندار

④ لوج

⑤ افول

⑤-1 بهره‌بروی

⑤-2 تصحیح ساختار و رشد دوباره

هر سازمانی از این روند بهره‌بروی می‌گذرد. در واقع هر سازمانی در می‌رشد، به لوج محدودتری می‌رسد و از آن پس افول می‌کند؛ مگر اینکه خود را تصحیح کند و مجدداً رشد یابد. همانند یک است با این تفاوت که در آن امکان تصحیح و رشد مجدد وجود ندارد.

نظریه تله‌بنیانگندار: بسیاری از سازمان‌ها بعد از تاسیس و در هرچه عمر خود، با فقدان یا نرسیدن بنیانگذار خود ناگهان دچار افول می‌شوند.

اگر سازمانی با فقدان بنیانگذار خود دچار افول شود می‌تواند در دام تله‌بنیانگندار افتاده است؛ و اگر سازمان بتواند جان تازه‌ای پیدا کند می‌تواند سازمان تله‌بنیانگندار عبور کرده است.

افول سازمانی می‌تواند ناشی از افول ایده، موسس یا رهبر، یعنی وقتی ایده به لوج خود نرسد، اگر بازه نیست و دچار افول می‌شود.

ذات هر سازمانی پیرایه است. اما در این گفته می‌شود که سازمان‌ها دچار بهره‌بروی زودرس شده‌اند و از همین منظره کلیه مسائل اقتصادی و ... را توصیف و تفسیر می‌کنند.

از تانها بروز کجولت اقتصادی ی تون به مولد زنی اش ره کرد:

- هر روی انرژی ها سیستم به لیت زیاد شود
- حرکت و سرزندگی سیستم کاهش یابد
- خرابی سیستم از منابع ورودی خارج مراتب کمتر باشد
- کنترل پذیری سیستم کاهش یابد
- ذخیره سرعانه ها در سیستم کم شود
- توانایی خود ترمیمی سیستم کاهش یابد
- وابستگی سیستمون در درجه فنی؟ افزایش یابد

همانند یک انسان که در ابتدا کنترل کمی بر خود دارد. در طی مراحل رشد، کنترل بیشتری بر خود خواهد داشت و انعطاف نیز بیشتر می شود. اما له جایی به بعد، در دوران کجولت، دگدغه انعطاف دلرد و نه کنترل کافی بر خود سیستم زنده و سیستمی است که بتواند خود ترمیمی داشته باشد و از پذیری جلوگیری کند.

زخانی که سیستم بی بارند؟ تزریق بوده تا اثری نندارد و بیگاری بالای سیستم خواهد بود. در این مرحله جراحی کردن اقتصاد ممنوع است، و نباید به اقتصاد شوک وارد نمود. بلکه در این حالت باید اقتصاد را لگد داشت؛ نهایت ایجاد کرد؛ سرمایه اجتماعی ایجاد نمود؛ نشاط و وحدت و آشنایی ملی و برقراری روابط از افول سیستم جلوگیری کرده و جان تازه ای به سیستم داده شود. همچنین همین عوامل جایی پیام ها و سیگنال هایی مثبت بر سایرین می دهد که موجب ترک اقتصاد و جلوگیری از ریزش و خودی اقتصادی می شود.

بسیار از اقتصاد دانان با صیانت نقدی کردن بارانده ها مخالف بود زیرا که داشتند در آن زمان اقتصاد ایران دچار کجولت است و نباید دست به جراحی زد. در واقع جراحی ها بزرگ اقتصادی می ایست زخانی انجام شود که همگی به وحدت ملی، ذخیره سرعانه اجتماعی و در اوج خود باشد.

اقتصاد ایران در زمان ها مختلف دچار کجولت شده است که گاه آنرا به طرف غوده ایم

ذکر این نکته حائز اهمیت است که برای برداشتن موانع رشد اقتصادی در ایران یک قیام سیاسی و همگامی مردمی لازم است.